



کاوشی در مدیریت عصر ظهور از منظر آیات و روایات

محمد اسلامی نژاد

مدیر پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج استان بوشهر، Email: eslaminejad_m@yahoo.com

چکیده

در این مقاله سعی شده است به بررسی ابعاد مدیریت عصر ظهور و مظاهر آن در قرآن و روایات پرداخته شود. مدیریت در این معنا بسیار گسترده خواهد بود و با کمی تسامح، همه آثار «وجودی» و «شخصیتی» حضرت را در بر خواهد گرفت. اما مدیریت در معنای اصطلاحی به معنای سازمان‌دهی، هدایت و به کارگیری امکانات و نیروها براساس ارزش‌هایی معین برای رسیدن به هدفی مطلوب است. مقصود از مدیریت حضرت در این جا که برخاسته از تدبیر و فعل امام است، معنای اصطلاحی آن است. یافته‌ها نشان داد که حکومت امام مهدی (عجل الله فرجه) تأمین‌کننده اهداف همه انبیای بزرگ الهی است و به همین دلیل شاخصه‌های آن به اهمیت و بزرگی اهداف آن است. اگر بخواهیم شاخصه‌های این حکومت را بررسی کنیم، قرآن و روایات خاص مهدویت منبع بسیار خوبی است ولی گذشته از روایات خاص می‌توان به آنچه در کلیات آیات قرآنی و ادعیه مأثور بیان می‌شود نیز استناد کرد. سه شاخصه اساسی و مهم حکومت حضرت شامل عدالت (در همه حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، قضایی، اقتصادی، فرهنگی)، امنیت (در همه بخش‌ها از جمله امنیت اجتماعی، امنیت قضایی، امنیت اخلاقی و روانی) و احیای کتاب خدا و سنت نبوی می‌باشد.

واژگان کلیدی: آیات، روایات، عصر ظهور، مدیریت

۱- مقدمه

پیشرفت جوامع، به کوشش‌های گروهی بستگی دارد. همچنان که گروه‌های سازمان‌یافته، گسترش می‌یابد، عملکرد مدیریت و مدیران از اهمیت بیش‌تری برخوردار می‌گردد (زارعی‌متین، ۱۳۸۱).

برای شناخت مدیریت درست و اصول مدیریت متکامل و مترقی منطبق با نیازهای یک جامعه ایده‌آل اسلامی، باید تئوری‌های مدیریتی جهان را شناخت و از ضعف‌ها یا ویژگی‌های مثبت آن‌ها اطلاع کافی به دست آورد؛ آن‌گاه از راه‌آورد تجربیات ارزشمند مدیریت‌های موجود بهره‌مند گردید (دشتی، ۱۳۸۰)؛ سپس نگاه اصیل و فاخر را به سمت مدیریت مصلح جهانی معطوف نمود.

از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امروز بشر که آرامش حیات و راحت ممات را از او سلب کرده، دنیا را برای او مبهم و آخرت را از و هم‌آکنده ساخته، شناختن شخصیتی است که بتواند آسایش و آرامش را برای انسان تأمین کند و او را به حق آشنا سازد و در مسیر آن پویا گرداند و ملاک انسانیت باشد. امروزه این ویژگی کمال و ملاک انسانیت که اعتدال فکری، عقیدتی، روحی و عملی انسان را تأمین و تضمین می‌کند در عرصه ظهور و دست‌رس جامعه کنونی نیست. از این‌رو بشر، همواره دنبال گمشده‌ای می‌گردد که وجود او را حتمی می‌داند اما به راه شناختش پی نبرده است (جوادی آملی، ۱۳۷۸).

دیدگاه قرآن درباره سرانجام بشر، دیدگاهی خوشبینانه بوده و پایان دنیا، پایانی روشن و سعادت‌آمیز دانسته شده است. سرانجام سعادت‌مند جهان، همان تحقق کامل غرض آفرینش انسان‌ها است که چیزی جز عبادت خداوند نخواهد بود. قرآن درباره سرنوشت جامعه‌ها به روشنی سخن گفته است. از نظر قرآن مشیت الهی بر این تعلق گرفته که در آینده، فقط صالحان وارثان زمین خواهند بود و حکومت جهان و اداره امور آن را به دست خواهند گرفت و حق و حقیقت در موضع خود استوار بوده و باطل برچیده خواهد شد. همه جهانیان زیر لوای حکومت صالحان قرار گرفته و حکومت واحدی بر جهان مستولی خواهد شد. آینده در قرآن کریم مبتنی بر وعده تحقق یک جامعه کامل و مطلوب، تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام، بسط دین اسلام، غلبه آن بر همه ادیان، زمامداری صلحا و ارباب لیاقت و پیروزی حزب الله است. در این زمینه، آیات بسیاری در قرآن کریم وارد شده است. در نویدهای قرآن کریم، چند رکن اساسی برای جامعه موعود بیان شده است:

۱. حکومت بزرگ و کامل جهانی براساس خداپرستی، به رهبری موعود قرآنی، شکل گرفته و اداره آن به دست مردم صالح و با ایمان خواهد بود.

۲. برنامه جامع و فراگیر دینی و حاکمیت مطلق الهی در سرتاسر جهان، بدون کم و کاست، محقق و همه احکام اسلام اجرا خواهد شد.

۳. نا امنی، تشویش، سختی‌ها و هراس مردم از بین رفته و آرامش و امنیت کامل در سراسر گیتی برقرار خواهد گردید.

۴. همگان خدای یکتا را پرستش خواهند کرد و هرگونه شرک و بت پرستی ریشه کن خواهد شد (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۴).

در این رابطه قرآن مجید می‌فرماید: «و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون» (انبیاء: ۱۰۵). پس اسلام ادامه ادیان پیشین آسمانی است که جملگی به بشریت، آینده سعادت مندانه را نوید می‌دهند تا فرمانروایی زمین و جهان از آن طلایه داران با ایمان و نیکوکار گردد و زمانی که این فرمانروایی به دست افراد با ایمان و نیکوکار بیفتد، فرصتی برای سعادت و شادکامی بشر، دست خواهد داد. در آیه دیگر می‌فرماید: «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» (توبه: ۳۳). این آیه سه بار در قرآن کریم تکرار شده است تا وعده پروردگار را در مورد گسترش دین اسلام در پهنه‌ی گیتی و پیدایش حقیقی و بکار بردن آنرا در پی ناکامی همه مکاتب و ادیان دیگر به ثبوت برساند. قرآن در جای دیگر می‌فرماید: «و نرید ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمهً و نجعلهم الوارثین» (قصص: ۵). پروردگار، گروه‌های ستم‌دیده و مستضعف و رنج‌دیده‌ی زمین که بهترین نمونه‌های آنان ائمه برحق و اهل بیت محمد (ص) هستند، منت خواهد گذاشت تا عملاً رهبری جهان را به عهده گیرند و در پناه حکومت عدل و ایمان وارثان زمین شوند. اینها همه به راستی نشانه‌های روشنی است که تاکید بر این دارند که حق سرانجام پیروز شده و پیروان حق زمام جهان را بدست گرفته و آن را به ساحل امن و امان رهنمون خواهند شد.

قرآن همچنین می‌فرماید: «وعدالله الذین آمنو منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض... یعبدوننی لایشرکون بی شیئا» (نور: ۵۵). خداوند بر اساس این آیه به مؤمنان صالح وعده داده که آنها را خلیفه روی زمین خواهد کرد و حکومت تمام جهان را در اختیار آنها خواهد نهاد. دین اسلام را به طور ریشه دار و اساسی بر روی زمین پیاده خواهد کرد. همه اسباب خوف و ناامنی برای مؤمنان و صالحان از بین خواهد رفت، امنیت و آسایش کامل برای آنها محقق خواهد شد و از همه مهم‌تر در سراسر زمین تنها خداوند مورد پرستش واقع می‌شود و هرگونه شرکی به کلی از صفحه روزگار محو خواهد شد.

۲ - بیان مساله

امیرالمؤمنین علیه السلام در خصوص مدیریت امام مهدی (عج) در عصر غیبت می‌فرمایند: «ای مردم! چه نزدیک است امروز ما به فردایی که سپیده آن آشکار شد. اینک ما در آستانه تحقق وعده‌های داده شده و نزدیکی ظهور آن چیزهایی که نمی‌دانید قرار داریم. بدانید آن کس از ماحضرت مهدی علیه السلام که فتنه-های آینده را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام می‌نهد و بر همان سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و اله و امامان معصوم علیهم السلام رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید. بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد، جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق جویان پراکنده را جمع‌آوری کند. آن حضرت علیه السلام سال‌های طولانی در پنهانی از مردم به سر می‌برد. آن چنان که اثر شناسان، اثر قدمش را نمی‌شناسند گرچه در یافتن اثر و نشانه‌ها تلاش فراوان کنند. سپس گروهی برای درهم کوبیدن فتنه‌ها آماده می‌گردند و چون شمشیرها سیقل می‌خورند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰).

حضرت علی علیه السلام در این خطبه با صراحت از اقدامات و فعالیت‌های حضرت مهدی علیه السلام که به صورت پنهان مدیریت می‌شود پرده برمی‌دارد: باز نمودن گره‌ها آزاد کردن بردگان، ملت‌ها و انسان‌های اسیر و دربند، متفرق کردن گمراهان، متحد کردن حق جویان و این کارها را تا زمانی انجام می‌دهد که گروهی از یاران حضرت برای درهم کوبیدن فتنه‌ها در زمان ظهور آماده شوند همانند آماده شدن شمشیر به دست آهنگر (واحد تحقیق و پژوهش بیت المهدی (عج)، ۱۳۸۸). سه اصل حاکم بر مدیریت امام مهدی (عج) در عصر غیبت عبارتند از:

اصل غیبت: باتوجه به آن که مصلحت الهی بر غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام قرار گرفته و این غیبت دلایل مختلفی دارد. حضرت مهدی علیه السلام هرگز کاری که خلاف فلسفه غیبت باشد انجام نخواهند داد.

اصل حکمت: حضرت مهدی علیه السلام در مدیریت پنهانی خویش آنچه را که خلاف حکمت و مصلحت باشد انجام نخواهند داد.

اصل سنت: برخی از سنت‌های الهی است که حاکم بر طبیعت و جوامع بشری است و خداوند متعال در قرآن از آنها نام برده است. بدیهی است حضرت مهدی علیه السلام نیز از همان سنت‌های جاری الهی تبعیت نموده و خلاف آن عمل نخواهند کرد. برخی از سنت‌های الهی عبارتند از:

(محمد: ۷) «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»: اگر خدا را یاری کنید خدا هم شما را یاری می‌کند.

(اسرا: ۸) «إِنْ عُدْتُمْ عَدْنَا»: اگر از عهد و پیمان خویش بازگردید ما هم برمی‌گردیم.

(رعد: ۱۱) «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»: به‌درستی که خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آن که خود آنها

بخوانند.

افرادی که در زیرمجموعه دستگاه با عظمت حضرت مهدی علیه السلام نیز انجام وظیفه می‌کنند عبارتند از: ابدال، اوتاد و رجال المهدی (عج)، مراجع تقلید و نایبان عام حضرت علیه السلام، هر آن کسی که کار خویش را در راستای خدمت به حضرت ولی عصر علیه السلام انجام می‌دهد. در این مقاله جنبه‌های مختلف عصر ظهور و نظام مدیریت مبتنی بر آن در آیات و روایات مورد بررسی قرار خواهد گرفت و هر یک از ابعاد آن با واکاوی خواهد شد. در این تحقیق محقق قصد دارد به بررسی عصر ظهور و نظام مدیریت مبتنی بر آن در آیات و روایات بپردازد.

۳- جامعه عصر ظهور و حکومت جهانی

زمان ظهور حضرت مهدی(عج) به اراده الهی و فراهم شدن زمینه‌های آن بستگی دارد و لذا در روایات، وقت آن تعیین نگردیده است. این مخفی بودن زمان ظهور، حکمت‌های فراوانی دارد که از جمله آنها می‌توان به تداوم روح امید و افزایش انگیزه زمینه‌سازی برای قیام آن حضرت اشاره کرد. قیام جهانی حضرت مهدی به منظور رشد معنوی و گسترش عدالت در جهان، از مکه آغاز می‌شود. امام مهدی(عج) پس از ظهور از مکه با سپاه خود که بالغ بر ده هزار نفر خواهد بود به سوی مدینه منوره حرکت خواهد کرد و پس از رسیدن به مدینه با نیروهای دشمن که در مدینه تجمع کرده‌اند درگیر شده و آنان را شکست داده و آنجا را آزاد می‌کند و به تصرف خود درمی‌آورد و با آزاد شدن حرمین، حجاز برای آن حضرت فتح می‌گردد و با سرزمین یمن تحت لوای آن حضرت قرار می‌گیرد(نظری منفرد، ۱۳۸۹).

از آنجا که رسالت همگان، زمینه‌سازی برای عصر ظهور است، می‌بایست شناخت کافی از دوران پس از ظهور کسب نماییم تا در پرتو آن، پلیدی‌های اجتماع کنونی را بیشتر شناخته و به حرکت خویش جهت تحقق دوران امیدآفرین، انگیزش بخش و سراسر امن و آسایش عصر ظهور، شتاب بخشیم.

۳-۱ وضعیت اقتصادی در عصر ظهور

در حالی که در دکتربین حکومت حضرت مهدی(عج)، قبل از هرگونه اصلاح اقتصادی، تأکید بر برقراری عدالت اجتماعی می‌شود و اصل اولیه، توسعه عدالت و از بین بردن زمینه ظلم و تعدی چپاولگران اقتصادی می‌باشد، عینیت عدالت اجتماعی به شکل کامل آن، موجب شکوفایی همه جانبه و فراگیر اقتصادی شده و شکاف عمیق فقیر و غنی از میان برداشته می‌شود. مردم در پناه حکومت جهانی مهدی(عج) آنقدر بی‌نیاز و غنی می‌گردند که دیگر خلاء مالی وجود نخواهد داشت تا لازم باشد بوسیله زکات و صدقات و... آن را پر نمود. از این رو افرادی که مکلف به پرداخت زکات می‌شوند هیچ فقیری را برای پرداخت زکات مال پیدا نمی‌کنند و همه اعلام بی‌نیازی می‌نمایند.

نکته قابل توجه در نظام اقتصادی حضرت مهدی(عج) این است که به جهت پیوندی که بین اخلاق و اقتصاد برقرار می‌شود و به جهت رشد اخلاقی و معنوی که جامعه پیدا می‌کند، مردم به یک غنای روحی و اخلاقی می‌رسند که این غنای روحی، موجب کاهش حرص و ولع نسبت به دنیا و دنیاخواهی می‌گردد و از این رو از دنیا به اندازه عفاف و کفاف می‌طلبند و هرگونه زیاده‌طلبی در مردم رخت بر می‌بندد و احساس بی‌نیازی نسبت به دنیا می‌نمایند. نکته قابل توجه این است که حتی در انجام معاملات از یکدیگر سود نمی‌گیرند.

تکامل اخلاقی از یک سو و از سوی دیگر، بهره‌برداری کامل از معادن و منابع زیرزمینی در پرتو دسترسی به شیوه‌های تسلط بر منابع، موجب دسترسی کامل به معادن و منابع زیرزمینی و مواهب طبیعی می‌گردد. در روایتی که از امام علی(ع) وارد شده، حضرت در توصیف این مسئله می‌فرماید: «زمین میوه‌های دل خود معادن طلا و نقره را برای او [حضرت مهدی(عج)] بیرون می‌ریزد و کلیدهایش را به او می‌سپارد»(نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸).

تلاش دولت مهدوی در راستای تحقق عدالت اجتماعی، منجر به محرومیت زدایی، پرداخت بدهی بدهکاران، رد و جبران مظالم و دیون و تهیه امکانات ضروری زندگی تغذیه و مسکن می‌گردد.

۳-۲ وضعیت سیاسی در عصر ظهور

در نظام حکومتی حضرت مهدی(عج) ضمن اینکه «آزادی» عنصری شریف و موهبتی الهی و شرطی برای تعالی و ترقی و تکامل مادی انسان محسوب می‌شود، اما آزادی با احکام و حدود الهی تحدید می‌شود. در فرهنگ مهدوی، آن آزادی سعادت آفرین است که از حدود الهی تجاوز ننماید. در حکومت مهدوی ضمن اینکه از آزادی‌های مشروع دفاع می‌شود از آزادی‌های نامشروع جلوگیری می‌شود. در دکتربین سیاسی حضرت مهدی(عج) دشمنان کسانی هستند که بر سر راه تحقق اهداف حکومت ایجاد مشکل و مانع نموده و یا پرچم مخالفت بر علیه امام بلند نمایند. سیاست حکومتی امام در برابر چنین افرادی برخورد قاطعانه و صریح می‌باشد. طبق روایات وارده از امام صادق(ع) سیاست حضرت قائم(عج) قهر و غلبه بر دشمنان است. البته بنا بر فرمایش ایشان، حضرت با اهل ذمه، از راه مسالمت‌آمیز وارد می‌شود (مجلسی، ج ۵۲، ۱۳۶۱: ۳۶۷).

در نظام سیاسی حکومت حضرت، کسانی که به قدرت دست می‌یابند دچار مستی و غرور نمی‌شوند و به ستم و تجاوز نمی‌افتند. چرا که ریشه تعدی و تجاوز، عدم تزکیه درون است و صالح نبودن و مؤمن واقعی نبودن، موجب می‌شود که حاکمان جدید که خود بر علیه ظالم قیام نموده‌اند، تبدیل به ظالمانی جدید شوند.

۳-۳ وضعیت فرهنگی در عصر ظهور

توجه به امور فرهنگی در دکتربین حکومتی حضرت مهدی(عج) جایگاه ویژه‌ای داشته و بالأخص «تعمیق فرهنگ دینی»، در رأس برنامه‌های فرهنگی دولت مهدوی قرار دارد.

دولت مهدوی، دولت شکوفایی فرهنگی است. رشد شاخص‌های توسعه فرهنگی مثل رشد علم و فن‌آوری اطلاعات، رشد معنویت، اخلاق و... موجب توسعه فرهنگی در عصر ظهور خواهد بود. به طوری که مهمترین شاخص رشد فرهنگی در عصر ظهور، احیای دین به عنوان مهمترین عامل فرهنگ ساز و توجه و رغبت عمومی به احکام دین، در حد بسیار بالا می‌باشد. در این حکومت مردم به گونه‌ی بی‌سابقه به اسلام روی می‌آورند و با رشد عقلی که پیدا می‌کنند، عمل به احکام دین اسلام را مهمترین عامل رشد و توسعه می‌دانند. ضمناً علاوه بر رویکرد مردم به دین، یکی از کارکردهای اساسی فرهنگی در دکتترین مهدویت، زدودن ناخالصی‌ها و خرافات و مسائل غیر واقعی از دین اسلام است و چهره واقعی دین، هم‌منطور که پیام‌آور اسلام آن را آورده است به مردم معرفی می‌گردد. خرافه‌زدایی و زدودن مسائل غیر واقعی در دین و عمل به احکام دینی از سوی دیگر به حدی چهره دین اسلام را تغییر می‌دهد که مردم گمان می‌کنند حضرت قائم(عج) دین جدیدی را آورده است.

یکی دیگر از عوامل مهم فرهنگ‌ساز، شکوفایی اندیشه و عقل بشر است که در عصر ظهور با گسترش علم و فناوری، دانش و علم در هر خانه‌ای نشر و حلقه‌های درس و علم آموزی برای مردان و زنان در اجتماعات مختلف ایجاد می‌گردد، رشد عقلی و فکری و علم هم به اوج خود می‌رسد. حضرت برای برقراری این امنیت اجتماعی، در آغاز حکومت خود، بیعت‌هایی را از مردم می‌گیرند که بنابر حدیثی که از امام علی(ع) وارد شده است، از جمله مفاد این بیعت‌ها این است که: «دزدی نکنند، مرتکب زنا نشوند، به مسلمانی فحش و دشنام ندهند، هتک حرمت کسی را نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را بدون دلیل نزنند، طلا و نقره و گندم و جو ذخیره نکنند، راهزنی نکنند، راهی را ناامن نکنند و مواد غذایی را احتکار نکنند...».

حضرت شروطی را هم برای خود می‌گذارند از جمله اینکه: «مانند مردم رفتار کنند، از نوع لباس آنان بی‌بوشند، مرکبی همانند آنان سوار شوند، به اندک فتناعت کنند، زمین را از داد پرکنند، خدا را چنانکه شایسته است عبادت کنند، حاجب و درباریان برای خود قرار ندهند» (مجلسی، ج ۱۳۶، ۵۲: ۳۰۹).

در زمینه‌سازی، ایجاد و بقای چنین جامعه‌ای، حضور فعالانه زنان ضروری است. چراکه پیش از این بیان شد که زنان در سعادت و یا شقاوت جامعه، نقشی غیر قابل انکار دارند. اگر زن مسلمان، جایگاه و نقش خویش را به درستی نشناسد و بدون حفظ اصول و حریم‌ها وارد محیط اجتماع شود، کارکردی فراتر از آنچه که زن هویت باخته غربی به آن دچار شده، نخواهد داشت. از سوی دیگر، چنانچه زن منتظر، بصورت منفعلانه با اجتماع برخورد کند و نسبت به اهمیت آن غافل باشد، جامعه را از نقش سازنده خود در اصلاح و فرهنگ سازی محروم نموده است. مهم آن است که مرز حساس میان افراط و تفریط در بهادادن به اجتماع را بشناسد و نه خانواده و رسالت‌های فردی خود را فدای اجتماع نماید و نه اجتماع را از کارکردهای مثبت خویش محروم سازد.

۴- مؤلفه های آرمانی مدیریت حضرت مهدی

۴-۱ مدیریت قضایی دولت موعود

با مطالعه جرایم، جنایات و مفساد اجتماعی و دقت روی آن‌ها، روشن می‌شود که: اولاً با اجرای عدالت اجتماعی و تقسیم عادلانه ثروت، ریشه بسیاری از مفساد اجتماعی برچیده می‌شود. ثانیاً آموزش و تربیت درست اثر عمیقی در مبارزه با فساد، تجاوز و انحرافات اجتماعی و اخلاقی دارد. ثالثاً وجود یک دستگاه قضایی بیدار و آگاه با وسیله مراقبت دقیق که نه مجرمان از چنگ آن فرار کنند و نه از عدالت سر باز زنند نیز عامل مؤثری در کاهش میزان فساد و گناه و تخلف از قانون است.

اگر این سه جنبه دست به دست هم دهند، ابعاد تأثیر آن‌ها بسیار زیاد خواهد بود. از مجموع احادیث مربوط به دوران حکومت مهدی(عج) استفاده می‌شود که او از تمام این سه عامل بازدارنده، در عصر انقلابش بهره می‌گیرد. امام باقر(ع) فرمود: هرگاه قائم آل محمد خروج کند، به سنت جدید و قضاوت جدید قیام خواهد نمود. در این‌که مقصود امام باقر(ع) از قضاوت جدید آن حضرت در عصر ظهور چیست، دو احتمال وجود دارد: ۱. مقصود از خطوط جدید، یعنی دارای برنامه‌های بسیار متنوع و پیشرفته برای بشر در عصر ظهور است. ۲. مقصود، داشتن اسلوب جدید در قضاوت و فصل خصومت بین مردم است. همان‌گونه که در روایات به آن اشاره شده که حضرت به حکم داوود(ع) عمل خواهد نمود و درخواست بینه و دو شاهد عادل نمی‌کند (رضوانی، ۱۳۸۴: ۶۳۶).

در کتاب بحارالانوار، از حضرت امام باقر(ع) چنین نقل شده است:

... بدین جهت مهدی نامیده شد که به امری پنهان هدایت شده، تا جایی که در پی کسی می‌فرستد که مردم گناهی برایش نمی‌دانند، پس او را

می‌کشد. (مجلسی، ۱۳۶۱، ج ۵۲، ۳۹۰، ح ۲۱۲)

قضاوت امام عصر (عج) در بین مردم، نسبت به قضاوت‌های اجداد طاهریین آن بزرگوار (ع) امتیازی خاص دارد؛ ایشان با دانش و اخلاق خود، در مورد حوادث و وقایع قضاوت خواهد فرمود و منتظر شهادت شاهدان و دلایلی که ادعا را ثابت کند نخواهد شد. در نهایت حضرت مهدی (عج) زمین را از عدل و داد آکنده می‌سازد و بر اساس علم شخصی خویش قضاوت می‌فرماید. حضرت صاحب‌الامر (عج) اقامه حد نموده، قصاص و تعزیر را _ بر هر کسی که از وی تقصیری صادر گردیده و بر اساس آن مستحق قصاص و یا تعزیر است _ جاری خواهد فرمود؛ حتی اگر گواهان گواهی ندهند و بینه‌ای نیز اقامه نشود.

حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید:

آن‌گاه نداکننده‌ای را امر می‌کند که ندا در دهد: این مهدی است که مانند سلیمان و داوود داوری می‌کند و بر آن گواه نمی‌خواهد. زمانی که قائم آل محمد قیام نماید، در میان مردم به حکم داوود حکم خواهد نمود و به بینه نیازی نخواهد داشت؛ چراکه خدای تعالی امور را به وی الهام فرماید. وی بر پایه دانش خود داوری کند و هر قوم را به آن‌چه مخفی و پنهان نموده‌اند آگاه سازد. (صدوق، ۱۳۵۹: ج ۱، ۳۳۹)

۲-۴ مدیریت اقتصادی دولت موعود

در قرآن کریم، امور اقتصادی بخش مهمی از زندگی انسان را به خود اختصاص داده است. (خنیفر، ۱۳۸۵)

مکتب اقتصادی اسلام، بر مفاهیم ارزشی و بینش‌هایی متکی است که بر اساس آن‌ها، مقوله کار و اقتصاد اسلامی، با دیگر مکتب‌ها، تفاوت‌های اصولی می‌یابد. این ارزش‌ها و بینش‌ها را در دیدگاه اسلام، نسبت به هستی، انسان، جامعه، ثروت، مالکیت، آزادی و عدالت می‌توان یافت. گرچه این مفاهیم از مقولات ارزشی هستند و در اصطلاح، علمی به شمار نمی‌آیند، با نفوذ در روح و روان و اخلاق مردم و ظهور آن‌ها در رفتار انسان‌ها، نقش فوق‌العاده‌ای در جلوگیری از پیدایش مشکلات اجتماعی و اقتصادی و یا کمک در حل سریع و آسان آن‌ها دارند (خنیفر: ۱۳۸۵).

شاید مشکل اقتصاد و مسائلی را که مربوط به آن می‌شود _ یعنی، فقر و گرانی و محدودیت تجارت و تورم و ناداری و تولید کم و زیادی تقاضا و نظایر آن _ بتوان از مهم‌ترین مشکلات زندگی دانست. آن‌چه نام برده شد، همه نتایج اقتصاد کافر حاکم بر عالم و خصوصاً در کشورهای اسلامی است؛ آری، اقتصاد کافر و ستمگری که از راه سلب آزادی‌ها و بستن راه‌های زندگی بر انسان‌ها و گرفتن مالیات به‌ویژه مالیات تصاعدی و محروم ساختن مردم از برکت‌های زندگانی، این مشکلات اقتصادی را در اجتماعات بشر ایجاد کرده است (قزوینی، ۱۳۷۵).

نظام استعماری حاکم بر اقتصاد جهان امروز، در کنار خود، نظام جنگی ظالمانه‌ای را پرورش می‌دهد که قسمت مهمی از نیروهای فکری و انسانی را که باید به‌طور مداوم و پویا، در جست‌وجوی منابع جدید برای بهسازی زندگی انسان‌ها به تلاش برخیزند، می‌بلعد و نابود می‌کند. اما هنگامی که این نظام و نظام‌های جنبی آن دگرگون شود، نیروها برای استخراج منابع بی‌شمار زمین به کار می‌روند و علم و دانش پیشرو در اختیار این برنامه قرار می‌گیرد و به سرعت منابع تازه‌ای کشف می‌گردد و شکوفایی خاصی به اقتصاد بشریت می‌بخشد.

لذا در روایات مربوط به حکومت آن مصلح بزرگ، اشارات پرمعنایی به این توسعه اقتصادی دیده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۹۷ - ۲۹۸).

۵- سیرت حضرت ولی عصر (عج)

درباره‌ی روش و رفتار و سیرت مهدی مطالب و مسائل بسیاری در احادیث رسیده است. این مطالب و مسائل، سیرتهای مهدی را روشن می‌سازد:

۱-۵ سیرت مدیریتی در مهدی (عج)

بدین ترتیب با ظهور دولت مبارک مهدی (ع) سیرت مدیریتی او بر اساس عدالت محض جلوه می‌کند. آن حضرت در اداره امور از نظر اقتصادی گشاده دست است و اموال را برای آسایش و رفاه مردمان با سخاوت به کار می‌گیرد و نسبت به محرومیت کشیدگان و مسکینان، مهربان و دل‌رحم است و برای آنکه ذره‌ای ستم از جانب دولت و کارگزاران نظام او بر کسی نرود و حقی ضایع نشود، نسبت به مسئولان و کارگزاران خود سختگیر است. دولت او دولت عدالت محض است، پس جای هیچ‌گونه لغزش و فساد و انحراف در نظام اداری آن حضرت وجود ندارد و سختگیری آن حضرت نسبت به مسئولان و کارگزارانش بدین خاطر است.

مهدی (ع) بر اساس کتاب خدا به عدالت مدیریت می‌کند و هواپرستی را به خداپرستی سوق می‌دهد و همه افکار و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد و نشان می‌دهد که حکومت عدل یعنی چه. او برای حفظ این اساس، مسئولان و کارگزاران ستمگر را با دقت مواخذه می‌نماید و هر که را پا از سیرت عدالت بیرون نهاده است به سختی مجازات می‌نماید. مهدی (ع) در اداره امور برای حفظ عدالت و حقوق مردمان و حیثیت دین، به روشی نو و مناسب با عصر خود و تحولاتی که در طول تاریخ رخ داده است تا مردمان به آن نقطه رسیده‌اند، عمل می‌کند.

در روش زمامداری مهدی (ع) میان او و مردمش هیچ فاصله و حجابی نیست، به گونه‌ای که آن حضرت با آنان سخن می‌گوید و ایشان نیز صدای او را همان‌جا که هست می‌شنوند و به او نگاه می‌کنند.

۲-۵ سیرت اجتماعی

در پرتو سیرت فرهنگی مهدی (ع) روابط اجتماعی سامانی دیگر می‌یابد. یکرنگی و یگانگی میان مردمان جاری می‌شود و دوستی و رحمت قلبها را پر می‌سازد و مساوات و موازات اجتماعی جلوه می‌کند. کسی به کسی ستم روا نمی‌دارد و یاری و دستگیری یکدیگر واجبی همگانی می‌شود. در آن دوران حرص و بخل در روابط اجتماعی جایی نخواهد داشت و یکرنگی و یگانگی چنان بر رفتار اجتماعی حاکم شود که هر کس هر چه نیاز دارد از جیب برادرش بردارد، نه این شرمنده باشد و نه آن ناراحت. چنین رابطه و پیوندی میان برادران ایمانی، از ویژگیهای سیرت اجتماعی آن دوران است «برید عجلی» گوید به امام باقر (ع) گفته شد که در این زمان شیعیان و پیروان شما در کوفه جمعیتی کثیر محسوب می‌شوند و چنانچه ایشان را فرمان دهی (تا قیام کنند و به مبارزه برخیزید) اطاعت کنند و پیروی نمایند. امام (ع) فرمودند: آیا روابط اجتماعی آنان بدین گونه است که کسی از ایشان (در وقت نیاز) سر جیب برادرش رود و نیاز خود برگیرد؟ گفتند: خیر، چنین نیست. امام (ع) فرمود: پس آنان به خون خود بخیلتر خواهند بود. البته رسیدن به این مرز از روابط اجتماعی، خود محصول رشد عقلی و تکامل روحی آدمی است. اگر اهل ایمان به رشد و کمال برسند جز این نخواهند بود. یعنی عقلشان کامل نشده است و هنوز به آن مرتبه از کمال نرسیده‌اند که چنین تکلیفی را حمل کنند، ولی در دولت مهدی (ع) این مرتبه از کمال انسانی و اجتماعی تحقق می‌یابد اخلاق اجتماعی در آن زمان بر مبنای سلامت نفسها و پاکی دلها ظهور می‌یابد. امانتها به درستی ادا می‌شود. مردم به عبادت‌های اجتماعی - از سرایمان و تقوا - روی می‌آورند. حقوق اجتماعی در همه امور رعایت می‌شود و هیچ گونه ستم اجتماعی بر کسی روا نمی‌شود. حدیث امام صادق (ع) گویای این حقیقت در سیرت اجتماعی مهدی (ع) است: نخستین ظهور عدالت قائم آن است که سخنگویان او در مکه فریاد می‌کنند که هر کس نماز واجب خود را در کنار حجرالاسود و محل طواف خوانده است و می‌خواهد نافله بخواند، به کناری رود تا حق دیگران پایمال نشود و آنان که می‌خواهند نماز واجب بخوانند، بیایند و بخوانند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲).

۳-۵ سیرت فرهنگی در مهدی (عج)

در دولت مهدی (ع)، سیرت تربیتی آن حضرت چنین است که خردهای مردمان را به کمال رساند و فرزندی را در آنان تمام نماید، و در نتیجه با این انقلاب فرهنگی، آرمانهای اصلاحی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تحقق یابد و ریشه دار گردد و پا برجا نماند. انقلاب فرهنگی در دولت مهدی (ع) چنان عمیق و فراگیر است که همه مردم علم و حکمت می‌آموزند همگان با کتاب خدا و سنت پیامبر بر اساس فهمی عمیق آشنا می‌شوند تا جایی که زنان در خانه‌ها بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می‌کنند.

بی‌گمان هیچ انقلابی بدون یک تحول فکری و فرهنگی اساسی، راه به جایی نخواهد برد و انقلابی عظیم چون انقلاب مهدی (ع) و تأسیس دولتی با آن ویژگیها که یاد شد، نیازمند انقلابی بزرگ در فرهنگ و آموزش و تربیت است. نظام الهی بر خرد و بصیرت و دانش استوار است و سلامت جوامع و آبادی سرزمینها، در معنای تام آن بر معرفت و علم تام استوار است. از این رو در عصر حاکمیت مهدی (ع) تحولی شگفت در علم و دانش رخ می‌نماید و درهای همه معرفتها و دانشها به روی مردمان گشوده می‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲).

۶- نتیجه گیری

از این رو دوران حکومت جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام، بی‌گمان، والاترین، شکوهمندترین و شکوفاترین، فصل تاریخ انسانیت است. آن دوران، دورانی است که نویدهای خداوند درباره جانشینی مؤمنان و پیشوایی جهانی فرودستان و وراثت شایستگیان، تحقق بیرونی می‌پذیرد و با توان الهی آخرین پرچمدار دادگری و یکتاپرستی، زمین صحنه فخرترین جلوه‌های بندگی پروردگار می‌شود.

یکی از ویژگی‌های ارزشمند جهان در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام، رواج نافرمانی مردم از دستورات خداوند و دوری از دین و دینداری است؛ به گونه‌ای که مردم گروه گروه از پیروی آیین خداوند دور می‌شوند و زندگی کفرآلود و مشرکانه‌ای خواهند داشت.

بنابراین بیشترین مسائلی را که امام بدان توجه خواهد کرد و برای جامعه اسلامی تازه و نو جلوه می‌کند و ناشناخته و ناآشنا می‌نماید، مسائل مربوط به عدالت اجتماعی و امور مالی و معیشتی است؛ یعنی، موضوعی که انسان سخت به آن نیازمند بوده و بدان نرسیده است. همین امر نیز مشکل نابسامانی اصلی زندگی بشر امروز را تشکیل می‌دهد و اجرای آن (برقراری عدل و دادگری در سراسر گیتی) از اقدام‌های اصلی امام مهدی علیه‌السلام خواهد بود. بنابراین بیشترین مسائلی را که امام بدان توجه خواهد کرد و برای جامعه اسلامی تازه و نو جلوه می‌کند و ناشناخته و ناآشنا می‌نماید، مسائل مربوط به عدالت اجتماعی و امور مالی و معیشتی است؛ یعنی، موضوعی که انسان سخت به آن نیازمند بوده و بدان نرسیده است. همین امر نیز مشکل نابسامانی اصلی زندگی بشر امروز را تشکیل می‌دهد و اجرای آن (برقراری عدل و دادگری در سراسر گیتی) از اقدام‌های اصلی امام مهدی علیه‌السلام خواهد بود.

با پایان یافتن دوره رسالت پیامبر و احاله این وظیفه از طرف خداوند به دوازده امام (علیهم‌السلام) و شروع آن با ولایت و امامت امیرالمؤمنین (ع) وارد دوره جدیدی شد که متأسفانه ناسپاسی مردم فرصتی بیش از چهار سال و اندی را در اختیار ایشان قرار نداد تا آن حضرت به تبیین و



دومین کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

دی ماه ۱۳۹۶ - تهران

تقویت احکام بپردازد و به دست خناسان و دشمنان و آزادی و شرافت انسانی به شهادت رسید. همین روند با شدت بیشتر ادامه یافت و هر دوره‌ای با شهادت یکی از حجج الهی سپری گشت و هرچه زمان به دوره حجت دوازدهم نزدیک‌تر شد، سخت‌گیری، تهدیدها و محدودیت‌ها بیشتر گشت. در زمان حضرت حجت (عج) شیاطین انسان صفت به شکل‌های مختلف تلاش کردند که آن حضرت را نیز شهید نمایند که به مصلحت و مشیت الهی به پرده غیبت رفتند و از نهنان، هدایت تکوینی و تشریحی جهان را انجام می‌دهند تا این که مردم به بلوغ فکری رسند و در عمل و گفتار ظهور ایشان را تقاضا نمایند تا به اذن الهی دوباره ظاهر شده، وعده الهی در استخلاف مؤمنان را با تشکیل حکومت جهانی تحقق بخشند .

این حکومت از نظر مبانی فکری و ارزشی با دیگر حکومت‌های الهی تفاوتی ندارد و تنها در افق زمانی و مقتضیات زمان با آنها تفاوت خواهد داشت و ارکان و اهدافش نیز به تناسب آنها خواهد بود که در پنج مقوله واقع‌بینی، حق‌مداری، کمال‌جویی، خدامحوری و انسان‌مداری خلاصه می‌گردد. اهدافی چون عدالت‌گستری در مفهوم عام و ریشه‌کنی طواغیت و ایجاد بستر و فضای مناسب برای رشد و کمال انسان‌ها در ابعاد وجودی و فعلی و انتقام از ظالمان و متعدیان به حریم عصمت و طهارت، خصوصاً سالار شهدا و ام‌الائمہ حضرت زهرا (س) از مهم‌ترین اهداف آن حکومت جهانی خواهد بود.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه
- رضوانی، علی‌اصغر، موعودشناسی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴
- جوادی آملی، عبدالله، عصاره خلقت، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۸ ش.
- خنیفر، حسین، کارآفرینی در نظام ارزشی، قم، انتشارات اکرام، ۱۳۸۵ ش.
- دشتی، محمد، امام علی(ع) و مدیریت، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع)، ۱۳۸۰
- دلشاد تهرانی، مصطفی(۱۳۸۲)، دولت مهدی علیه السلام، سیرت مهدی علیه السلام، تهران، دریا.
- زارعی متین، حسن؛ شهبازی، مهدی، فرهنگ سازمانی و نقش جهان‌بینی و ارزش‌ها در این فرهنگ، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال چهل و سوم، ش ۵۰۷، خرداد ۱۳۸۲
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹ ش.
- قزوینی، سیدمحمدکاظم، امام مهدی(عج) از ولادت تا ظهور، تهران، نشر آفاق، ۱۳۷۵ ش
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی(عج)، قم، مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب(ع)، ۱۳۷۵
- نظری منفرد، علی(۱۳۸۹)، قصه انتظار؛ امام مهدی از تولد تا رجعت، جلوه کمال، دوره چهارم.
- هاشمی شهیدی، سید اسدالله، ۱۳۸۴، ظهور حضرت مهدی (عجل الله فرجه) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، انتشارات مسجد جمکران، جلد ۱.